فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره چهارم (پیاپی ۴۶)، زمستان ۱۴۰۲
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
مقاله پژوهشی صفحات ۹۸-۸۵

بازشناسی ساختاری ـ کارکردی روستاهای هالیدی (تعطیلات) در قلمرو کردان

حسن مومنی *؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
سمیرا جولایی؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

چکیده

روستاهای هالیدی[1] پدیده‌ای نوظهور است که با عوامل شهرگریزی در پیرامون کلانشهرها شکل می‌گیرد و در آن جمعیت ساکن دائمی در روستا از تعداد انگشتان دست نیز کمتر بوده و در مقابل جمعیت شناور در روزهای تعطیل به ویژه در پایان هفته، ظرفیت اسکان را در روستا اشباء و حتی سرریز می‌کنند. این پدیده به شدت در نواحی روستایی اطراف شهرهای پرجمعیت درحال بروز و ظهور است. از مناطق متأثر از پدیده روستاهای هالیدی می‌توان به قلمرو کردان و سکونتگاه‌های خوش آب و هوای پیرامونی آن اشاره نمود. این پژوهش با هدف بررسی دلایل و علت‌های ایجابی در بررسی روستاهای هالیدی در قلمرو کردان تهیه شده و در آن از روش تحلیل مضمون استفاده گردیده است. در نتایج نخستین پژوهش حاصل شده از مشارکت ۲۵ تن از افراد مرتبط به روش مشاهده مشارکتی، مجموعاً ۹ مضمون پایه‌ای کسب شد که از مفاهیم مختلف با میزان فراوانی متغیر شکل‌گرفته‌اند. همچنین نتایج حاصله از تشریح مضامین پژوهش در ارتباط با شکل‌گیری روستاهای هالیدی نشان می‌دهد که این روستاها اغلب در پیرامون مناطقی با ویژگی‌های طبیعی متمایز کننده و جغرافیای منحصر بفرد، با انباشت سرمایه و شرایط سهل دسترسی و دارای امنیت ایجاد می‌شوند. اما از آنجایی که عملاً در این سکونتگاه‌ها تولید به ندرت اتفاق می‌افتد نه می‌توان آنها را دارای کارکرد روستایی دانست و نه شهری، هرچند که در این پژوهش از این پدیده به عنوان روستاهای هالیدی یاد شده است. بنابراین این اتفاق موجب تخریب بسیاری از ارزش‌های ملموس و ناملموس اصیل به یادگار مانده از گذشته زیست این چنین روستاهایی است.

واژگان کلیدی: کارکرد، روستاهای هالیدی، شهرگریزی و کردان البرز.

* h.momeni@khu.ac.ir
[1] -Holiday Village

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

۱) مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی به‌عنوان فضایی جغرافیایی(رحمانی‌فضلی و پریشان، ۱۳۸۷: ۱۰۱) یا در چرخش فضا که در دهه ۱۹۸۰ اتفاق افتاد و فضا بعنوان یک سازه اجتماعی که سکونتگاه‌های انسانی از جمله روستا را پدیده ای اجتماعی – فضایی قلمداد نموده است که همواره تحت تاثیر ساخت‌ها و روابط مختلفی دچار تغییرات بوده است. بررسی، شناخت و تفسیر نحوه تحولات ساختاری-کارکردی فضا مخصوصا با تحولات ناشی از نقش‌پذیری جدید روستایی، می‌تواند گام موثری در توسعه آنها باشد. کارکردهای اساسی زیست که ماهیت برخی سکونتگاه‌ها باتوجه به آنها شکل می‌گیرد بیشتر با عنوان کارکردهای استراحتگاهی- ارتباطی قلمداد شده و تحت‌الشعاع موضوعاتی همچون استراحت، آموزش، ورزش و ارتباط با دیگران از جمله آن است که عمده آنان عبارت است از: سکونتگاه‌های توریستی و مانند آن، سکونتگاه‌های ارتباطی مانند روستاهای واقع در ایستگاه راه‌آهن یا مهمان‌پذیر و سکونتگاه‌های زیارتی (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). در فرآیند توسعه، به فراخور اثرگذاری عوامل خارجی، همواره عوامل داخلی نیز مؤثر هستند. این عوامل در چندین طیف دسته‌بندی می‌شوند که از آن میان عوامل اجتماعی-فرهنگی (شامل تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تحولات جمعیتی، افزایش سواد، مهارت، آموزش و ارتقای دانش روستاییان، ورود رسانه‌های جمعی و مطبوعات، گسترش بهره‌گیری از شبکه اینترنت و امکانات مخابراتی و غیره اشاره کرد. عوامل اقتصادی نیز (به نحوه و شکل بهره‌برداری از منابع آب و خاک، افزایش سطح زیر کشت، تغییر الگوی کشت، گذار از کشاورزی خودمعیشتی به تجاری و تحول در مناسبات تولید، توزیع و مصرف، افزایش میزان درآمد و به تبع ارتقای سطح زندگی روستاییان در برخی نواحی اشاره نمود. همچنین در اثر عوامل بیرونی و درونی در روستاها به دسته‌ای دیگر می‌توان اشاره کرد که تحت عنوان عوامل فیزیکی-کالبدی از آنها یاد می‌شود. تغییرات اقتصادی و اجتماعی و نیازهای جدید زندگی روستایی به تغییر در شیوه‌های ساخت مسکن و تغییر در بافت روستایی (شبکه معابر و معماری مساکن) و غیره از دیگر عوامل اثرگذار درونی در توسعه روستایی است(ریاحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

سکونتگاه‌های انسانی تحت تأثیر عوامل و نیروهای فضاساز، همواره با تأثیرپذیری از فرآیندهای درونی و بیرونی مختلف در حال تغییر و تحول بوده‌اند. در این میان سکونتگاه‌های روستایی، به عنوان جزئی از نظام‌های جغرافیایی، که خود متشکل از اجزای مرتبط به یکدیگرند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی- فضایی، نحوه تعامل یا ارتباط (درونی و بیرونی در مقیاس محلی و منطقه‌ای و ملی) خود، در گذر زمان همواره دستخوش تغییراتی بوده که ساختار و کارکرد نواحی روستایی را در مناطق مختلف کم و بیش متحول ساخته است. تأثیر بخشی نیروهای درونی و بیرونی به نوع و دامنه روابط و همچنین، ویژگی‌های نهادهای اجتماعی روستا بستگی دارد. این نیروها بنیادهای اجتماع روستایی، چه بنیادهای محیطی-اکولوژیک و چه بنیادهای اجتماعی-اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین کارکرد اقتصادی یکی از مهم‌ترین کارکردهای جوامع روستایی است که نقشی اساسی در مکان‌گزینی و پایداری سکونتگاه‌ها، تولید اقتصادی، معیشت، درآمدزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد. از سویی دیگر روستاها اگرچه توانایی پذیرش فعالیت‌های صنعتی بزرگ مقیاس را ندارند اما با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های درونی قادر هستند تا صنایع کوچک و حتی متوسط مقیاس را از نظر عوامل تولید پشتیبانی نموده و در خود جای دهند. سیطره روز افزون مراکز شهر نیز از چالش‌های تحول ساختاری و بالتبع کارکردی این تیپ از سکونتگاه‌های روستایی که در حاشیه شهرها به‌خصوص شهرهای متوسط و بزرگ هستند می‌باشد به دلیل اینکه در مباحث مربوط به برنامه‌ریزی فضایی و جغرافیایی هر ساختاری کارکرد ویژه خود را می‌طلبد. بنابراین در چنین شرایطی به دلیل گسترش و پیشروی کالبد شهر، روستای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

کالبد شهر قرار دارد و همچنین متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی و نیروهای بیرونی کالبد درونی روستا به خصوص مسکن، در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری-کارکردی قرار گرفته است. از اثر توسعه تجارت فرامرزی به ویژه برای روستاهای مرزی و عوامل چندکارکردی نیز در این خصوص نمی‌توان به سادگی گذشت(dehleader.ir).

پراکنش فضایی روستاها به نحوی با زندگی ساکنان بومی و محلی این نواحی در رابطه است. الگوهای استقرار واحدهای مسکونی با چیدمان خانه‌ها شکل می‌گیرد. گونه‌های روستایی ایران، به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی، محیط‌زیست و عناصر اقلیمی، مجموعه‌ای همگن و متناسب با هویت کالبدی خاص محل را تشکیل می‌دهد که تجلی‌دهنده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت از بطن سکونت و شیوه زیست در روستاها نشأت گرفته شده. مناظر روستایی اشکال مختلفی دارد و از عوامل متعددی به وجود می‌آید که به تعیین نوع و الگوی روستایی کمک می‌کند، هر روستا بر اساس موقعیت نسبی و جغرافیایی خود دارای ویژگی‌هایی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد آن ایجاد می‌کند، بدین ترتیب روستاها می‌توانند کارکردی صنعتی، خدماتی- تولیدی یا غیره داشته باشند، این شرایط منطبق با ویژگی طبیعی و دارایی‌های محیط پیرامونی روستاها شکل می‌گیرد و کم و بیش از آن استفاده می‌شود، لذا وجود ظرفیت‌های پیرامونی در نواحی روستایی از دلایل بسیار حائز اهمیت در نقش‌پذیری روستاها است. سکونتگاه‌های جدید از چهار بعد فرم اقامتگاه یا مسکن، ترکیب حیاط، بافت سکونتگاه و به ویژه منابع آب روستا لندفرم را دچار تحول می‌کند. دهکده یا روستاهای جدید ویژگی‌های ژئومورفیک، سبکی و مقیاس سکونتگاه سنتی کاملا تحت تأثیر قرار داده و این دگرگونی در بافت روستا در مواردی برای افراد بومی و ساکنین اولیه موجب پیروی از اقدام به ترک زادگاه می‌شود(archdaily, 2023). در مواقعی چشم‌انداز و سکونتگاه‌های روستایی متأثر از حوادث محیطی دچار تغییر و تحول می‌شود. گونه‌شناسی و گونه‌بندی کارکردهای روستایی در پاسخ به شرایط محیط پیرامونی شکل گرفته و تداوم می‌یابد. مطالعات صورت گرفته در مورد گونه‌های روستایی، واحدهای مسکونی نشان می‌دهد که این نواحی ضمن برخورداری از ارزش‌های معماری همانند سادگی و بی پیرایگی، الگوهای بصری و زیبا شناختی، انطباق با محیط طبیعی، هماهنگی با عملکرد زیستی و معیشتی، استفاده از مصالح محلی و دانش بومی و ...؛ که به آن هویت خاصی می‌دهد دارای کاستی‌هایی چون آسیب‌پذیری در برابر فضاهای زیستی و معیشتی نیز می‌باشند. برخی روستاهای نزدیک کلانشهرها، باتوجه به قیمت زمین، موقعیتی را برای ساکنین ایجاد می‌کنند که می‌توانند کارکرد روستایی را تغییر دهند، تبدیل شدن روستا به عرصه‌ای با جدابیت تملک زمین پدیده‌ای است که بیش از پیش اتفاق افتاده و نواحی روستایی را با کارکردهایی جدید روبرو ساخته است(dehleader.ir). بنابراین تحولات ناشی از شکل‌گیری روستاهای هالیدی مستقیماً به مساکن، بافت و به طور کلی در کالبد روستا اثر گذار است و فضای روستایی به کالبدی بتنی و کم روح تبدیل شده است که نمونه‌ای از تغییرات شکلی بافت روستایی در ذیل به تصویر کشیده شده است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

شکل۱. تصویر تحولات بافت روستایی ناشی از ایجاد روستاهای جدید (هالیدی) منبع: archdaily, 2023

در ارتباط با موضوع مقاله حاضر مطالعات و پژوهش‌هایی به شرح ذیل صورت گرفته است. بابایی و ریاحی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ارومیه" به این نتیجه رسیدند که تحولات اساسی ساختاری کارکردی سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه در نتیجه عوامل درونی و بیرونی بوده است و نتیجه این تحولات روند منفی بر ساختار و کارکرد روستاها داشته است. رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله "تحولات ساختاری کارکردی مسکن سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اشترینان" نتیجه گرفتند که گسترش فیزیکی شهرهای منطقه بر تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، زیستی و کالبدی روستاهای محدوده اثر داشته و تحولات ساختاری کارکردی به وجود آورده است و تحولات ساختاری ـ کارکردی مسکن را به خصوص در روستاهای نزدیک‌تر به وجود آورده است. احمدی شاپورآبادی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان "شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر تغییرات کارکردی نواحی روستایی استان قم" به این نتیجه رسیدند که تغییرات کارکردی در نواحی روستایی استان قم از عوامل مختلفی نظیر محدودیت‌های توسعه کشاورزی و اشتغال روستایی به عنوان مهم‌ترین عامل و سپس دسترسی و مراودات شهر، گسترش گردشگری، گسترش شهرنشینی، جاذبه‌های محیط روستا، سرمایه‌گذاری جدید در روستاها، تحولات جمعیتی و امکانات و خدمات نشأت می‌گیرد. ریاحی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله "بررسی عوامل مؤثر بر تحولات ساختاری –کارکردی سکونتگاه‌های روستایی بخش کردیان شهرستان جهرم) به این نتیجه رسیدند که تحولات ساختاری در ابعاد محیطی-اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-فیزیکی تحولاتی در عرصه‌های کارکردی سکونتگاه‌های روستایی را نیز به دنبال داشته است. ظاهری و رحیمی‌پور (۱۳۹۲) در مقاله "بررسی عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ کلان‌شهرها استان آذربایجان شرقی" به این نتیجه دست یافتند که رابطه منطقی بین مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه، نوع فعالیت اقتصادی و محل اشتغال سرپرستان خانوارها با تغییرات کارکردی روستاهای مورد مطالعه و تبدیل آنها از کشاورزی به خدماتی، صنعتی و سکونتی-خوابگاهی شده است. صیدایی و قاسمیان (۱۳۹۱) در مقاله "بررسی روند تغییرات کارکردی خانه‌های روستایی روستای گرجی محله شهرستان بهشهر استان مازندران" به این نتیجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

دست یافتند که بین نوع شغل و تحول خانه‌های روستایی و کسب و افزایش آگاهی از فناوری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و این دو عامل باعث بیشترین تغییرات در کارکرد خانه‌های روستایی در محدوده مورد مطالعه شده است. سعیدی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان "پویش ساختاری-کارکردی رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی" این نکته را عنوان کرد که پویش ساختاری-کارکردی به عنوان رویکردی راهبردی به ساماندهی فضا در سطوح و مقیاس‌های مختلف، در قالب جغرافیای اجتماعی نوین، می‌کوشد ضمن تبیین جنبه‌های پیچیده ساماندهی فضایی در جوامع کمتر توسعه یافته، برای مسائل ریشه‌دار در روابط ساختاری-کارکردی آنها چاره‌جویی نماید. سعیدی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان "پویش ساختاری – کارکردی رویکرد نظام‌وارگی در مطالعات مکانی- فضایی" نتیجه گرفته که پویش ساختاری کارکردی بر این باور استوار است که میان ساختار و کارکرد پدیده‌های مکانی فضایی نوعی پیوستگی نظام واره حاکم است و یکی بدون حضور متناسب دیگری امکان تحقق نمی‌یابد. نگاه ساختاری کارکردی می‌کوشد بر پایه شناخت نظام‌های مکانی – فضایی، توسعه‌پذیری نظام‌های مکانی فضایی را وارسی کند.

وودز (۲۰۱۱) در تحقیق خود تحت عنوان "جغرافیای روستایی؛ فرایندها و واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی" نشان داد که الگوهای جدید زندگی چشم‌اندازهای نواحی روستایی را دچار تغییر و تحول می‌کند، تحولی که سبب گسترش ناموزون سکونتگاه‌های روستایی و تغییر الگوهای زراعی بوده است. هلداک (۲۰۱۰) در بررسی خود بر اساس سه معیار ساختار اقتصادی، سطح صنعتی شدن و فراهم بودن زیرساخت‌های گردشگری طی سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۵ در کمون‌های لهستان نشان می‌دهد که این کمون‌ها در سال ۱۹۹۶ عمدتاً مبتنی بر کارکردهای کشاورزی سنتی بوده لیکن در سال۲۰۰۵ کارکردهای صنعتی و گردشگری نیز در آنها شکل گرفته است. یو و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای این نکته را بیان کردند که همراه با توسعه شهرنشینی و صنعتی فضاهای روستایی در چین از حیث کارکردها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با تنگناهای جدیدی مواجه شده‌اند و راه برون‌رفت از این تنگناها را ارتقای تعامل مثبت بین مناطق شهری و روستایی در منطقه دانسته‌اند. دهمس و مکوب (۱۹۹۹) به بررسی ارتباط متقابل شهرگریزی و تغییرات کارکردی در نواحی روستایی کشورهای توسعه یافته مانند استرالیا، آمریکا و کانادا پرداخته‌اند و از سال ۱۹۷۰ به عنوان رنسانس روستا نام می‌برند که از این دهه به بعد روند مهاجرت معکوس می‌شود و شدت مهاجرت از شهر به روستا افزایش یافته است که اتخاذ سیاست تمرکززدایی از سوی حکومت‌ها و افزایش فعالیت‌ها در نواحی روستایی را از دلایل آن می‌دانند. وجه تمایز این پژوهش را با سایر مطالعات مشابه می‌توان از چند جنبه مورد ارزیابی قرار داد، نخست آنکه در کشورهای توسعه یافته به نحوی پدیده روستای هالیدی وجود دارد و کارکرد اصلی آن نیز نه روستایی است و نه شهری بلکه بیشتر جهت تمدد اعصاب و دوری از شلوغی شهر شکل گرفته است، اما از یک بعد دیگر این پدیده در کشورمان اخیراً درحال شکل‌گیری بوده و به همین خاطر کمتر مورد توجه پژوهشگران واقع شده است همچنین شکل‌گیری این چنین سکونتگاه‌هایی اغلب بر اساس میزان شرایط و جایگاه اقتصادی- اجتماعی است و جنبه دیگر آن به وجود آمدن طبقات مرفه جامعه را بازگو می‌کند.

۲) مبانی نظری

کارکرد فضایی مجموعه فعالیت‌ها و روابط حاکم بر آنهاست که با توجه به ویژگی‌های ساختاری امکان تحقق می‌یابد. از این رو بین ساختار و کارکرد ارتباطی تنگاتنگ برقرار است و از هر نظام تنها بر اساس قابلیت‌های ساختاری آن می‌توان فعالیت مشخص و روابط معین انتظار داشت (Johnston, 2004). شتاب گرفتن عوامل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

درونی و بیرونی و پیوندهای خاص از آن بر فضاهای روستایی در چند دهه اخیر با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو بوده که ساختار و کارکرد نواحی روستایی را در مناطق مختلف کم و بیش متحول ساخته است و طی آن روند تغییرات سکونتگاه‌های روستایی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. از آنجاکه روستاها دارای توان بالقوه برای تحول نیستند، در روابط متنوع با شهر امکان تغییرات را ظاهر می‌سازند بنابراین، وابستگی متقابل شهر و روستا تحولاتی در نواحی روستایی به وجود می‌آورد و چنین تحولاتی به تغییرات کارکردی روستایی می‌انجامد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۷؛ بابایی و ریاحی، ۱۳۹۷). هر سکونتگاه روستایی به تناسب ساختار اقتصادی - اجتماعی و همچنین تحولاتی که از گذشته تا به امروز به خود دیده است دارای کارکردهای مشخص است که در یک تقسیم‌بندی متعارف می‌توان آن را در چهار مورد برشمرد: کارکرد سکونتگاهی، خدماتی، تسهیلاتی، ارتباطی، استراحتگاهی، اقتصادی و تولیدی (سعیدی، ۱۳۷۵: ۵۲). باوجود این تقسیم‌بندی‌ها کارکرد جوامع روستایی در مناطق مختلف جهان و طی زمان با یکدیگر متفاوت است و ممکن است در یک کشور توسعه‌یافته روستاها دارای چند کارکرد از جمله تولیدی، سکونت جمعیت و گذران اوقات فراغت باشند (Dollfus, 1991).

مهم‌ترین نظریه مرتبط با ساختار و کارکرد روستاها، پویش ساختاری –کارکردی است. فرض اساسی این پویش آن است که میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌های جغرافیایی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل انکار برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق‌پذیر می‌کند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۴). بدین‌سان، نظام‌های مکانی – فضایی متأثر از دو دسته عوامل و نیروها هستند: عوامل و نیروهای درونی و عوامل و نیروهای بیرونی (سعیدی، ۱۳۹۰). در جریان زمان ممکن است در الگو و ترتیب یک سکونتگاه تغییر شکل ایجاد شود. برخی سکونتگاه‌های هسته‌ای به سکونتگاه‌های پراکنده و برخی سکونتگاه‌های پراکنده به سکونتگاه‌های هسته‌ای در طی زمان تغییر شکل داده‌اند. به همراه تغییرات در ترتیب و الگو همچنین، نقش‌های سکونتگاه‌ها در طی زمان تغییر می‌کند (تاج، ۱۳۷۷). تغییر در نوع فعالیت و جمعیت، تغییرات در کارکردهای محیط‌های روستایی را به همراه خواهد داشت. البته در این بین عوامل درونی و بیرونی در تغییرات کارکردی و یا شکل‌گیری کارکردهای جدید نقش ایفا می‌کنند. بر این مبنا ، در دهه‌های اخیر، فعالیت کشاورزی در برخی نواحی روستایی، نه تنها به سبب عوامل درونی بلکه بیشتر به واسطه نیروهای بیرونی در معرض دگرگونی شتابان بوده است (سعیدی و عزیزپور، ۱۳۹۱). از آنجا که این تحولات ساختاری - کارکردهای جدید سکونتگاه‌های روستایی به‌صورت خودجوش و فاقد حرکت برنامه‌ریزی شده آثار و پیامدهای نامطلوبی برجای خواهد گذاشت. به‌نظر می‌رسد با شتاب گرفتن عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر محیط و فضاهای روستایی، از نخستین الزامات توسعه پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تحولات ساختاری- کارکردی نواحی روستایی می‌باشد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۶).

در این راستا، در چند دهه گذشته، گسترده‌ترین تغییرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی در مناطق روستایی کشورهای رو به پیشرفت و کشورهای پیشرفته رخ داده است این تغییرات تحت تأثیر پیوندها و روابط روستایی – شهری و نتایج آن مانند پدیده‌های شهرگریزی، شهرگرایی، ادغام، خزش و خورندگی چشم‌انداز می‌تواند از طریق شکل‌گیری و گسترش کارکردهای جدید در نواحی سکونتی و یا جایگزین کارکردها به وجود آید (شاپورآبادی و همکاران، ۱۳۹۲). بازساخت روستایی دوره معاصر شرایط متفاوتی نسبت به تغییرات اولیه در نواحی روستایی جهان، به لحاظ سرعت و استمرار تغییر و با توجه به کلیت و به هم پیوستگی تغییرات، آن گونه که در طول قرن بیست و یکم تجربه شده دارد. این ویژگی‌ها خود بیانگر این موضوعند که تغییرات روستایی اخیر، به وسیله دو فرایند تغییر، یعنی نوسازی و جهانی‌شدن ایجاد شده که هم بر نواحی روستایی و هم بر نواحی شهری تأثیر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

گذاشته است (Hoggart & Paniagua,2001). دیدگاه مکتب امکان‌گرایی، از جمله مواردی است که می‌تواند در مبانی نظری پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرد به گونه‌ای که انسان با استفاده از فکر و اندیشه و قدرت می‌تواند بسیاری از موانع را برداشته یا ازحوادث طبیعی و غیر طبیعی جلوگیری کرده به بهانه این که ایمن‌سازی انجام گیرد دست به تغییر و تحولات محیط اطراف خود می‌زند. در نتیجه خود انسان مهم‌ترین عامل تغییر و تحولات به‌وجود آمده درمحیط است (صیدایی و قاسمیان، ۱۳۹۱).

عوامل مؤثر در تغییرات کارکردی روستاها: عوامل مختلفی بر تغییر و تحول کارکرد روستاها مؤثرند. (صدیقی، ۱۳۹۵). برخی از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی عبارتند از:

شهرگرایی روستا: این پدیده که ناشی از گسترش روابط شهر و روستاست، می‌تواند از طریق شکل‌گیری و گسترش کارکردهای تفریحی و سکونتی در نواحی روستایی به وجود آید. افزایش وابستگی‌های شهر و روستا از جمله عواملی است که می‌تواند طبیعت روستا را با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو کند و به تدریج تغییرات عدیده‌ای را بر روستا تحمیل نماید (علیایی و عزیزی، ۱۳۹۸).

ارتباط اقتصادی: یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی ارتباط اقتصادی آنها با جوامع شهری است. هر چند مراکز شهری از نظر اقتصادی به حوزه نفوذ خود وابسته است، اما در روابط شهر و روستا، فعالیت‌های مبادله‌ای و از آن جمله مبادلات تجاری و اشتغال مهاجران اساس کار به شمار می‌رود، در این میان وجود بازارهای مناسب برای تولیدات، وجود تنوع تولید، وجود فرصت‌های شغلی فراوان در شهرها از جمله مواردی هستند که بر روابط شهر و روستا تأثیرگذارند. گفتنی است در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه جریان عمده‌ای که مشهود است همانا انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی است، این جریان به دو شکل صورت می‌گیرد: الف) انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به مناطق شهری؛ ب) انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی در خود روستا (ظاهری و رحیمی‌پور، ۱۳۹۲).

ارتباط فیزیکی: تحولات و دگرگونی‌هایی که به‌ویژه در سال‌های اخیر در زمینه استفاده از وسیله نقلیه به صور گوناگون و به عنوان یک پدیده کاملاً جدید به وقوع پیوسته است، ضمن تحکیم روابط اقتصادی، خواه ناخواه در تغییرات کارکردی بین آنها نیز تأثیرگذار بوده است. در حال حاضر گسترش راه‌ها و وسایل ارتباطی به ارتباط تنگاتنگ شهر و روستا و به تأثیر متقابل این دو واحد جغرافیایی در هم انجامیده است (ظاهری و رحیمی‌پور، ۱۳۹۲).

تحرک جمعیتی: حرکت‌های مکانی با پیشرفت‌های تکنولوژی و توسعه اقتصادی جوامع نسبت به گذشته افزایش یافته است. در این تحرک و جابه‌جایی، گسترش شبکه‌های حمل‌ونقل و رشد فزاینده وسایل مکانیزه حمل‌ونقل نقش اساسی ایفا می‌کند (علیایی و عزیزی، ۱۳۹۸).

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیل مضمون[1]به صورت کیفی انجام گرفته است. تحلیل مضمون در واقع روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش شرایط موجود داده‌های کیفی است. این روش همچنین، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی، پردازش شده و تفصیلی تبدیل می‌کند(Braun & Clarke, 2006:77-101). در این روش داده‌های کیفی تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌گردند و

[1] - Thematic Analysis

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

یافتن الگوها و مفاهیم مهم را درون مجموعه، داده‌های کیفی تسهیل می‌نماید (Kamali, 2018:45). در این روش، بر اساس یک رویه مشخص و در سه سطح مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی موجود در متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر(مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) را نظام‌مند میکند و نقدهایی از کل مضامین را با توجه به رابطه اعم و اخص با یکدیگر در آن شبکه جای‌گذاری شده‌اند(Kamali, 2018: 44; AttrideStirling, 2001:33).

روستای کردان در ارتفاع ۱۳۵۰متر از سطح دریا واقع شده است که از شمال با جاده کوهسار و برغان، از غرب با اراضی سیف آباد و بانوصحرا، از جنوب با اتوبان کرج- قزوین و از شرق با شهر کرج مجاور می‌باشد. در پیرامون این ناحیه روستایی مناطقی مانند روستای تالیان، بانوصحرا، برغان و غیره قرار دارند که جزو شهرستان ساوجبلاغ در ۱۵ کیلومتری کلانشهر کرج که خود مرکز استان البرز است واقع شده اند و به نوعی می‌توان این ناحیه را جزو بخش چندار نیز دانست. شهرستان ساوجبلاغ وسعتی معادل ۲،۸۰۰ کیلومتر مربع را از استان البرز به خود اختصاص داده است و در محدوده جغرافیایی عرض شمالی ۳۵/۴۵ تا ۳۲/۵۰ و طول شرقی ۳۵/۴۵ تا ۵۰/۵۵ واقع شده است. این شهرستان از شرق به کرج، از جنوب به اشتهارد و از غرب به آبیک قزوین منتهی می‌شود. ساوجبلاغ دارای ۴۴۷ پارچه آبادی، مکان و مزرعه است که سه ناحیه کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتی را در خود جای داده است. نام ساوجبلاغ دارای ریشه‌ای ترکی و به معنی چشمه آب سرد است که گویای وجود منابع غنی آب‌های چشمه در این محدوده می‌باشد. همچنین محصولات کشاورزی فراوانی همچون میوه گیلاس با کیفیتی در آن تولید می‌گردد. حمدالله مستوفی در کتاب نزهه القلوب در باب ولایت ساوجبلاغ می‌نویسد: ساوجبلاغ ولایتی است که در اوان سلاجقه مال به ری می‌داده و در عهد مغول سوی شده، هوایی بغایت خوب دارد. اکثر آبش از قنوات است، میوه و قله بسیار دارد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۲).

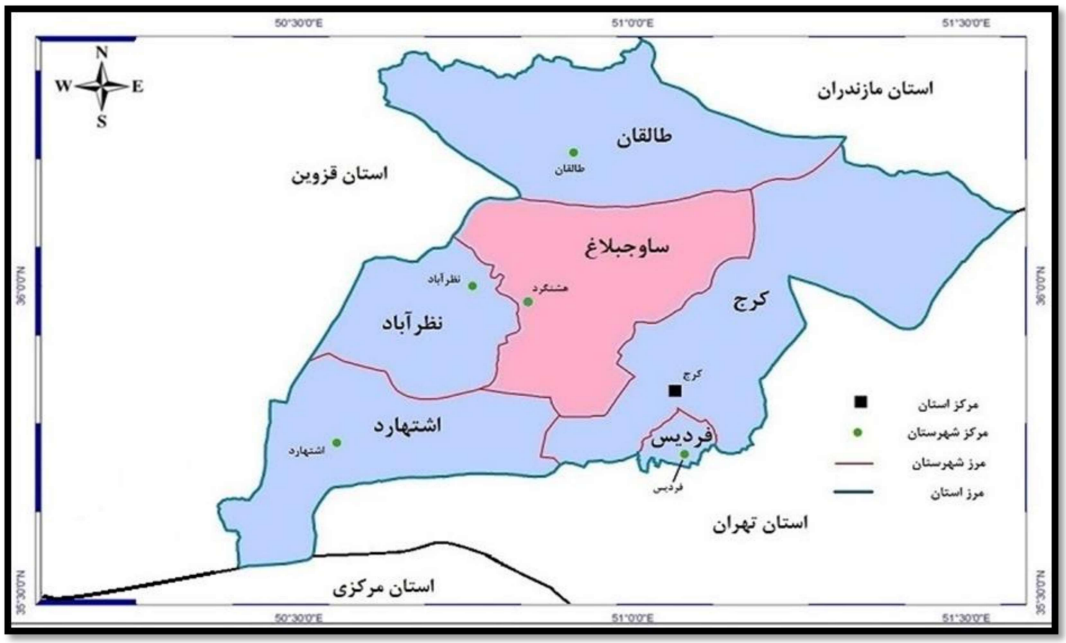

شکل۲. نقشه شهرستان ساوجبلاغ استان البرز

داده‌های پژوهش از طریق مشاهده مشارکتی به صورت هدفمند با چند تن از اساتید دانشگاهی، کارشناسان و ذینفعان دارای تخصص اعم از مسئولین و افراد مطلع محلی و بر اساس اردوی علمی دانشگاهی با موضوع ساختار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

روستاهای هالیدی دلایل و چالش‌ها به دست آمده است. در این راستا ویژگی مشارکت‌کنندگان به شرح جدول ذیل است و پس از بررسی نظرات و اطلاعات حاصل شده، اقدام به استخراج مفاهیم و سپس مضامین پایه مرتبط شده است.

جدول ۱. ویژگی مشارکت‌کنندگان

ویژگی / میزان	اساتید دانشگاه	کارشناسان	مسئولین	افراد مطلع محلی
تعداد	۵	۱۴	۳	۳
مجموع	۲۵ نفر			

پس از کسب داده‌ها با مشارکت جامعه هدف، در مجموع ۹ رسته مضامین پایه‌ای به شرح جدول ذیل حاصل شده که شامل: روستای هالیدی، اوقات فراغت، برنامه‌ریزی، تولید، اصالت، دگرگونی، روابط، عوامل جذب و نظارت است. این تعداد از مضامین پایه، به صورت مختلف از مفاهیم متعددی شکل گرفته و دارای ارتباط بوده است. از این رو به بیان هر یک از مضامین اصلی جهت بررسی علل شکل‌گیری روستاهای هالیدی پرداخته می‌شود.

جدول۲. مضامین اصلی و مفاهیم مرتبط با آن

میزان فراوانی	مضامین اصلی	مفاهیم مرتبط
۱۴	سکونتگاه	کارکرد، ساختار، نوترکیب، شهرگریزی
۱۱	اوقات فراغت	تعطیلات، استراحت، تفرج
۹	برنامه‌ریزی	مشارکت، عملکرد، حمایت، اقدام، مدیریت
۱۵	تولید	معیشت، درآمد، اشتغال، سرمایه، تسهیلات
۵	اصالت	تمدن، فرهنگ، قدمت
۱۲	دگرگونی	ساخت، تغییرات، تحولات
۱۰	شبکه ارتباطی	رسانه‌های جمعی، مطبوعات، اینترنت، مخابراتی، معابر
۸	عوامل جذب	عوامل درونی، عوامل بیرونی
۴	قوانین حقوقی	نظارت، اجراء، نفوذ، حکمرانی، مسئولیت پذیری

۴) یافته‌های تحقیق

گذار از ساختارهای مدیریت سنتی به مدیریت نوین، با حضور گسترده تشکیلات حکومتی جهت رتق و فتق امور روستاییان به جای مدیریت امور توسط حاکمان محلی، آثار گوناگون و بعضا متناقضی به همراه داشته است؛ به گونه‌ای که امروزه در برخی روستاها شاهد آن هستیم. تبعات تغییر فنون روستاگردانی با نظرخواهی از جامعه آماری تحلیل شده و در پایان، فرضیه تحقیق را مورد تائید قرار داده است. به طوری که کارکردهای اقتصادی به میزان چشمگیری افول کرده و کارکردهای اجتماعی فرهنگی جامعه روستا، پیرو تغییرات ساختاری فنون مدیریتی، متحول شده است (عابدینی‌راد و پناد، ۱۳۹۱). بنابراین عوامل تأثیرگذار در تغییرات کارکردی روستاها را می‌توان ارتباط اقتصادی، فیزیکی، تحرک جمعیتی، شهرگرایی روستا، رشد جمعیت دانست. ازاین‌روست که در بررسی دلایل و علل شکل‌گیری روستاهای هالیدی نیاز است براساس مضامین پایه‌ای و اصلی به بیان میزان ارتباط ایجاد اینگونه روستاها با مفاهیم مرتبط پرداخت، بنابراین باتوجه به اطلاعات جامعه مشارکت‌کننده به شرح مضامین پایه اشاره می‌گردد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

۱- **سکونتگاه**: شکل روستاهای نوترکیب (جدید) هرچند هنوز با خود نام روستا و آبادی را یدک می‌کشند، لیکن بهتر است آنها را سکونتگاه‌های غیر شهری دانست که به علل دگرگونی و تحولات مختلف بهنگام برنامه‌های توسعه گاهاً دچار تغییرات و نوسازی شده‌اند. به صورت دیگر می‌توان از این روستاها با عنوان روستاهای نوبنیاد یا حتی تازه آباد یاد کرد که درحال گذار، روستاهای با عملکردهای متحول و نوین و همچنین شهرک‌های روستایی و یا مجتمع‌های زیستی غیر شهری که با تحولات روستایی شکل گرفته و با ساختارها و عملکردهای جدید به ویژه در زمینه اسکان و معیشت به وجود آمده‌اند. هر چند که این دگرگونی عاری از آثار و پیامدهای به ویژه اجتماعی و محیط زیستی نیست و در اینجا از ذکر آن صرف نظر می‌شود.

۲- **اوقات فراغت**: زمان آزادی که افرد بر اساس شرایط و موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... به دنبال خواست‌های دلخواه و علایق و افکار شخصی خویش می‌رود. اولین بار وبلن (۱۸۹۹) از اوقات فراغت با عنوان نظریه طبقه مرفه یاد کرده است. در جوامع کنونی، با توجه به گذار به سمت مدرنیته، گسترش شهرنشینی، افزایش استفاده از فناوری و تکنولوژی و توسعه رفاه اجتماعی موضوع اوقات فراغت بیش از پیش گسترش داشته است. ماده اولیه تغییر جوامع و اجتماعات شهری و روستایی و تحول و تکامل درونی با اوقات فراغت ارتباط تنگاتنگی دارد. در دنیای پراضطراب و پرتلاطم امروز، آرامش و داشتن خیالی آسوده، نعمتی است که همگان آرزوی آن را دارند. در واقع، یکی از نیازهای اساسی انسان، شاد زیستن است که در پرتو آن، با رسیدن به تعادل روحی است. بنابراین از مظاهر دستیابی به زیست آسوده در نواحی روستایی نمود می‌یابد.

۳- **برنامه‌ریزی:** هر عملکرد و فعالیتی نیازمند زمین و فضای کافی است. انسان‌ها برای آسودگی نیاز به حفظ حریم دارند. بنابراین با توسعه فضا، به پراکنش فیزیکی پدیده‌های طبیعی و انسان ساخت و فعالیت مرتبط با آن به کیفیت مختلف مانند واحد همسایگی تأکید ورزیده می‌شود. بر این اساس در برنامه‌ریزی فضایی به حفاظت از عرصه‌های طبیعی و روستایی اشاره کرده و سکونتگاه‌های مطلوب و خودکفا می‌بایستی که با قلمرو مبتنی بر برنامه پدید آیند. از ای‌نرو در جهت تقابل با خواسته‌های افراد یا گروه‌های خاص، نظام برنامه‌ریزی مدعی است. در عکس این روند مشکل عدم ارتباط فرم فیزیکی جامعه با مکان‌گزینی مناسب به درهم ریختگی شرایط مناسب زیست لطمه وارد می‌کند.

۴- **تولید**: بستر تولید همواره نیازمند شرایط، زمینه‌ها و مقتضیاتی است که با زیست روستایی هم‌راستا باشد. تولید روستایی موجب ایجاد فایده و مطلوبیت ملی است. این فعالیت انسانی موجب رشد و بالندگی اقتصادی و مفهوم خود اتکایی، پایداری و تاب‌آوری است. نظر به اینکه روستا و روستانشین می‌تواند بستر مناسبی برای تولیدات کشاورزی، دامی، صنعتی و خدماتی، حفظ محیط‌زیست و حراست فراهم کند، بنابراین ترسیم و اجرایی‌کردن نقشه راهی که نقش روستاها را در نظام برنامه‌ریزی کشور تعیین کند، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

۵- **اصالت**: روستاها به عنوان کوچکترین عنصر تقسیمات سیاسی کشور و از مهم‌ترین اجزا ساختار کشور است. در یک نگاه عمیق به روستاها که متاسفانه در نظام برنامه‌ریزی کشور تقریبا بی‌پناه هستند و جایگاهی ندارند. حداقل طیفی از روستاها علاوه بر مباحث اقتصادی، به عنوان پایگاه حفاظت از هویت فرهنگی و اسلامی قابل برنامه‌ریزی هستند. روستاها بخاطر موقعیت، استقرار و دوری و نزدیکی از شهرها دستخوش تحولاتی هستند. وسعت قلمرو فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی انسان است و شامل تمامی ذخایر و میراث‌های اندیشه و دست انسان است از آغاز تا به امروز، این میراث را دانشمندان و مردم سینه به سینه انتقال داده‌اند.

۶- **دگرگونی:** برپایی سکونتگاه‌های انسانی، حاصل تعامل و کنش متقابل گروه‌های انسانی و خصوصیات معین محیطی است که پیوسته درحال تغییر است. این تغییر و تحولات در ابعاد مختلف در بستر مکان و در گذر زمان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

شکل می‌گیرد. طی دهه‌های اخیر، سکونتگاه‌های شهری در ایران، هم به لحاظ جمعیتی و هم تعداد، متاثر از روندهای ادغام در نظام سرمایه‌داری جهانی، اقتصاد متکی بر منابع نفتی، سیاست‌های تمرکزگرایانه دولتی و... بوده که در برخی مواقع منتج به رشد شده اما این رشد نه بر اساس تقسیم کار متناسب میان شهر و روستا و تکمیل عملکردی بلکه مبتنی بر جدایی‌گزینی و سیطره بی‌چون و چرای شهرها بر روستاها شد. به دنبال آن عرصه‌های روستایی نیز درگذر زمان و به تبعیت از فرآیندهای و روندهای اقتصادی، اجتماعی، اداری، و سیاسی، دچار تحولات متعددی شدند که بر حسب شرایط ناحیه‌ای، شدت آن متفاوت بود. بخشی از این تحولات در پی افزایش جمعیت شهری، رشد شهرنشینی سریع، گسترش فیزیکی شهرها و کارکردهای نوین شهری ایجاد گردید و بخشی دیگر با شرایط و موقعیت روستاهای پیرامون ارتباط داشت که بر شدت و ضعف این تحولات کمک می‌کرد. با این حال توسعه این عناصر یا ترکیب و بازترکیب آنها محصول جدید دانش و نهادها و همچنین پاسخی به تغییرات در شرایط پویایی سرمایه نبوده یا انعکاسی از حساسیت جامعه جهانی به فقر جدید، بلکه با کنارهم قرار دادن عناصر، نهادها و اقداماتی منجر به شکل‌گیری مجموعه روابطی شد که هستی این عناصر را تضمین می‌کند.

۷- **شبکه ارتباطی:** امروزه تاثیر شهرها بر توسعه مناطق روستایی و پیرامون آنها امری مسلم و پذیرفته شده است. این اثرگذاری عمدتاً از طریق پیوندهای روستا- شهری محقق می‌گردد. از این رو سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ موضوع روز جهانی اسکان را چنین نامید: شهرها، موتورهای توسعه روستایی، چرا که هر منطقه تنها متشکل از نظام سکونتگاهی پراکنده و بی ارتباط نیست، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است که از طریق روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری شکل می‌گیرد. سگونتگاه‌های روستایی و شهری، بیش از آنکه از ویژگی‌های درونی‌شان تأثیر بپذیرند، به شدت تحت تاثیرکم و کیف مناسباتی هستند که در زمینه‌های مختلف بین آنها وجود دارد و بدون شناخت عمیق این مناسبات امکان ساماندهی و توسعه پایدار شهر و روستا میسر نیست. از این رو مناسبات روستایی-شهری نیازمند بررسی‌های جامع به منظور فهم تغییر در ماهیت و شدت این تعاملات در طول زمان است.

۸- **عوامل جذب:** پدیده‌های طبیعی و انسانی در فضای جغرافیایی، با گذشت زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. درهم‌تنیدگی پدیده‌های طبیعی و انسانی به ویژه در مکان نمایان‌تر است. هر مکان دارای صفات مشخص محیطی، انسانی و فرهنگی است که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌سازد که به آن محیط، توان و فضای خاصی می‌بخشید و آن را از فضای مجاورش متفاوت می‌سازد. علاوه بر این، هر فضای جغرافیایی به عنوان یک واقعیت مکانی نه تنها تحت تاثیر نیروها و عوامل درونی بلکه از نیروها و عوامل بیرونی نیز متاثر می‌شود. بنابراین رخداد مکانی و زمانی پیش آمده در بستر جغرافیایی، نمودی از عدم یکسانی مسیر زندگی بوده و عامل مهمی در تمایل افراد در نزدیکی بیشتر با طبیعت است که افراد را با جذابیت‌های خود به پناه طبیعت سوق داده و این امکان را فراهم می‌کند که انسان از شرایط مختلفی در زیست برخوردار شود و این افتراق را تجربه نماید.

۹- **قوانین حقوقی:** برنامه توسعه جهانی بر توانمندسازی مردم و افزایش دامنه انتخاب و فرصت مشارکت در تصمیمات تأکید دارد. در این راستا دستیابی به توسعه انسانی ضروری بوده و این امر ناشی از نبود هماهنگی لازم و از هم‌گسیختگی مدیریت توسعه از مسائل روستایی است. وابستگی ایجاد شده در غلبه برنامه ملی بخش دولتی و ... به عمران انجامیده اما قدرت تصمیم‌گیری روستاییان را سلب نموده است. ازاین‌رو به جهت برطرف‌کردن نیازهای انسانی حرکت از پایین و دوسویه موجب مسئولیت پذیری روستاییان می‌شود. بدین سان بدون وجود قوانین و مقررات کارآمد و نظارت بر حسن انجام آن، کلیه فعالیت‌های روزانه اعم از خرد و کلان دچار نقصان شده و به صورت سلیقه‌ای اعمال می‌گردد. قوانین تضمین کننده اداره جوامع است و حقوق قضایی وظیفه اعمال قانون

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

و نظارت بر انجام آن را داشته (در برخی مواقع نظارت بر عهده سایر ارکان اجرایی است) و در صورت احمال و کاستی‌ها در انجام وظایف به حکم جبر و مجازات متوسل می‌گردد. روشن است که ضرورت قوانین و مقررات با پیشرفت علم و دانش بشری و افزایش جمعیت و پیچیدگی روابط انسانی بیش از پیش اهمیت یافته است تا دولت‌ها و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بهتر بتوانند ماموریت‌ها و وظایف خود را به نحو مطلوب و کامل در اداره‌ی امور جامعه و بهبود وضع زندگی مردم انجام دهند. این قوانین و مقررات نقش مهم و اساسی در ساماندهی زندگی اقشار مختلف جوامع انسانی به عهده دارد.

۵) نتیجه‌گیری

امروزه روستاها به عنوان نظامی مکانی- فضایی پیوسته در حال تغییر و تحول می‌باشند. این تغییرات تحت نیروها و تأثیر روندهای بیرونی و همچنین نیروها و روندهای درونی ناشی می‌شوند. موضوع کلی این پژوهش بررسی علل و شکل‌گیری روستاهای جدید تحت عنوان روستاهای هالیدی است. روستاهای منطقه مورد مطالعه تحت تاثیر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از لحاظ ساختار و کارکرد دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند. در این میان تاثیرات متقابل فضایی و روابط کارکردی شهرها و روستاها منجر به تغییرات مختلفی در ساختار جمعیتی، کارکردی و اقتصادی شده است. روستا در نظام‌های مختلف، بر حسب مبانی اکولوژی، مناسبات و سازمان‌های اجتماعی- اقتصادی اشکال گوناگونی می‌پذیرد، بنابراین روستا اساسی‌ترین پایگاه اکولوژیکی برای گروه‌های انسانی است. در جوامع صنعتی و فراصنعتی تولیدات روستاها تنها در محدوده فضای ناحیه‌ای مصرف نمی‌شود. بلکه به شهرها و نواحی دورتر نیز فرستاده می‌شود و روستا تنها سلول تولید نیستند بلکه سبب ارتباط با شهرها برای اهداف گوناگون بوده و سرسبزی و خرمی آن باعث می‌شود که در روزهای تعطیل محل گذران اوقات فراغت نیز باشد. مزیت‌ها و ویژگی‌های وجودی اینگونه روستاها که در سکونتگاه‌های پرتراکم شهری به ندرت قابل روئیت است دلیلی بر هجوم روستاسازان بوده به فضای روستاهای سنتی را به روش دلخواه خود تغییر دهند، این روش از آنجایی تشدید می‌شود که اغلب افرادی که اقدام به روستاسازی می‌کنند از وسع مالی مناسبی برخوردار بوده و عدم رصد و پایش و حتی نظارت کافی به تقویم شکلگیری روستاهای هالیدی منجر می‌گردد. در دست‌آوردهای عمیق پژوهشی اشتری(۱۴۰۰)، ناشی از تجدید حیات محلی در استقرار خانه‌های دوم روستایی اینگونه مطرح شده است که سه گروه اصلی متقاضیان اسکان در خانه‌های دوم روستایی را می‌توان بر اساس سبک زندگی، نوع و اولویت انگیزه، شرایط و عوامل زمینه‌ای به سه دسته فراغت‌جویان، هویت‌جویان و منزلت‌جویان تقسیم نمود که به اختصار "فهم" نامیده می‌شود و در واقع گروه فراغت‌جویان همان افرادی را شامل می‌شود که با تشکیل خانه‌های دوم روستایی به شکل‌گیری روستاهای تعطیلات دامن می‌زنند. ازاینرو می‌توان نتیجه گرفت که هرچند تحولات روستایی اجتناب‌ناپذیر است، تحقق خودبه خودی و بدون برنامه‌ریزی آن مشکلات زیادی را به بار می‌آورد. این تحولات را اگر با مفهوم نواحی و مناطق روستایی هم ردیف نموده و بجای روستا استفاده شود، بنابراین این اتفاق موجب تخریب بسیاری از ارزش‌های ملموس و ناملموس اصیل به یادگار مانده از گذشته زیست این چنین روستاهایی است. از سوی دیگر هر مکان روستایی یکی از روندهای سه گانه ذیل را طی خواهد کرد:

الف) تبدیل شدن به واحدهای بهره‌بردار بزرگ؛

ب) تبدیل شدن به نقطه‌ای با کارکرد خدماتی؛

ج) تبدیل شدن به نقطه سکونت که هرچه بیشتر به شهر نزدیک می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

بنابراین مجموعاً در موضوع شکل‌گیری روستاهای هالیدی، برخی زمینه‌ها احصاء شد که بسیار حائز اهمیت بوده و نتایج پژوهش را شکل می‌دهد:

این نمونه روستاها به غایت درحال شکل‌گیری هست:

۱- هم روستا هستند و هم روستا نیستند زیرا تولید در آنها اتفاق نمی‌افتد؛ و

۲- سرمایه را می‌بلعند؛ زیرا دست کم در حال حاضر اگر بدون در نظر گرفتن قیمت زمین، هزینه احداث یک واحد متوسط را یک میلیارد تومان در روستا بدانیم، این هزینه ایجاد علی‌رغم اشغال فضای روستا، عملاً گسترش یافته بدون آنکه مولد باشد.

خدمات این روستاها:

۱- خدمات دهیاری‌ها (این نمونه ساکنین روستاها در مبنای مفاد قانونی/ مشمول همه نوع خدمان حتی خدمات برتر روستایی هستند. همه این خدمات در جهت روستا هستند در صورتی که مولد نیستند و منافعی برای روستاییان اصیل ندارد؛

۲- شیوه نگهداری / نگه‌داشت یا مراقبت از این روستاها، با نگهبان و نظافت چی در طول هفته است که برای برای آخر هفته آماده می‌شوند؛

۳- مغازه‌ها یا کسبه‌ای در آنجا شکل نمی‌گیرد زیرا عملا مشتری دائمی وجود ندارد و روستا در ایام عادی خالی از سکنه است؛ و

۴- در گذشته تولیدکننده تولیدات باغی بوده اما الآن کاربری سرمایه‌ای شکل گرفته بنابراین همان نظام سکونتگاهی جدید را می‌توان تعریف کرد که به عنوان روستاهای هالیدی یا تعطیلات از آنها یاد می‌شود.

۶) منابع

- اشتری مهرجردی اباذر (۱۴۰۰)، **جامعه شناسی تمایل شهرنشینان به داشتن خانه‌های دوم در روستاهای زادگاهی- اجدادی (مورد مطالعه روستاهای دهستان دلفارد استان کرمان)**، فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده، دوره دوم، شماره۳، پیاپی۷، صص: ۸۹-۷۳.
- افراخته حسن (۱۳۹۳)، جغرافیایی روستایی ایران، انتشارات سمت تهران.
- بابایی محبوب و ریاحی، وحید (۱۳۹۷)، ب**ررسی تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ارومیه (مطالعه موردی،دهستان انزل شمالی)**، جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۳.
- تاج، شهره (۱۳۷۷)، **بررسی ویژگی‌ها و روند تغییرات فرمی و نقش روستاهای حومه‌ای مادر شهر تهران در رابطه با فاصله مجاورتی و نظام سلسله مراتبی در سال های ۷۷-۱۳۵۵ مطالعه موردی: شهرستان شمیرانات**، رساله دکتری جغرافیای انسانی، دانشگاه علوم و تحقیقات.
- دلفوس، اولیویه (۱۳۷۰)، **تحلیل جغرافیایی**، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.
- رحمانی، بیژن و سعیدی‌راد، مجید و جلالی، مهسا (۱۳۹۴)، **تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اشترینان**، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره هفتم، شماره ۲۸.
- ریاحی، وحید و کرمی نسب، صدیقه و بیات، مقصود (۱۳۹۷)، **بررسی عوامل مؤثر بر تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش کردیان- شهرستان جهرم)**، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، شماره ۲.
- سعیدی عباس (۱۳۸۹) **ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستائی**، ناشر مهر مینو، تهران.
- سعیدی عباس و حسینی حاصل صدیقه (۱۳۹۶). **شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب، تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]

- سعیدی عباس (۱۳۹۷). **مبانی جغرافیای روستایی**، انتشارات سمت، تهران.
- سعیدی، عباس(۱۳۹۰)، **پویش ساختاری – کارکردی رویکرد نظامواره در مطالعات مکانی – فضایی**، نشریه انجمن جغرافیایی ایران، سال نهم، شماره۲۹.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، **پویش ساختاری-کارکردی، رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی**، مجله اقتصاد و فضا و برنامه‌ریزی روستایی، دوره اول، شماره ۱.
- سعیدی، عباس و عزیزپور، فرهاد (۱۳۹۰)، **شبکه‌های منطقه‌ای و توسعه محلی نمونه: شبکه تولید شیر در ناحیه لیتکوه (مازندران)، روابط و پیوندهای روستایی – شهری در ایران**، تهران، نشر مهرمینو، چاپ اول.
- شاپورآبادی، محمدعلی و تقدیسی، احمد و رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، **شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر تغییرات کارکردی نواحی روستایی استان قم**، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۵، شماره ۸.
- صدیقی، صابر (۱۳۹۵)، **تبیین عوامل تشدیدکننده تغییرات کاربری اراضی مطالعه موردی: شهرستان محمودآباد**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش مدیریت توسعه پایدار روستایی، استاد راهنما علیرضا دربان آستانه، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- صیدایی، سیداسکندر و قاسمیان، زری (۱۳۹۱)، **بررسی و روند تغییرات کارکرد خانه‌های روستایی، روستای گرجی محله، شهرستان بهشهر، استان مازندران**، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، سال دوم، شماره اول.
- ضیایی مظاهر (۱۳۸۳). **تحول در مفهوم روستا در آغاز هزاره سوم**، کنگره توسعه روستایی چالشها و چشم اندازها، تهران.
- ظاهری، محمد و رحیمی پور، بهاره (۱۳۹۲)، **بررسی عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ کلان‌شهرها مطالعه موردی: روستاهای بیرق، هروی، حاج عبدال و دیزج لیلی خانی واقع در دره لیقوان استان آذربایجان شرقی**، فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۶.
- علیایی، محمدصادق و عزیزی، سمیه (۱۳۹۸)، **عوامل مؤثر بر تحولات کارکرد اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان ری**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره اول.
- فرید یدا.. (۱۳۷۹). **شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی**، دانشگاه آزاد واحد اهر.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۲). **گزارش بررسی توابع استان البرز**، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز.
- Dahms,F, & Mccomb, J(1999),**Counterurbanization Interaction and Functional Change in a Rural Amenity Area – a Canadian Example**, Journal of Rural Studies ,Vol. 15 No.2, PP.129-146.
- Heldak,M (2010), **Functional Standardization of Rural Area of Dolnoslaskie Voivodeship**, Bullent of Geography Socio- Economic Series, No.13, PP.127-137. 24.
- Long,H.,Tang,G.,Li,X. & Heilig,G.K (2007), **Socio-Economic Driving Forces of Land Use Change in Kunshan, the Yangtze River Delta Economic Area of China**.Journal of Environmental Management, No.83, pp.351-364.
- Hoggart, Keith & Paniagua, Angel (2001). **What Rural Restructuring?**, Journal of Rural Studies, Vol. 17, Issue 1, pp.41-62.
- Woods, M (2011). **Rural geography (processes,reactions,and experiences of rural refom)**.Teheran university.
- Yu, T., Zhang, J, X., Sun, L, J. and Huang, W-Y. (2009). **Research on Rural Spatial Distribution in China Based on Urban-Rural Integrated Planning Management**, Fourth International Conference on Computer Sciences and Convergence Information Technology, Seoul, Korea, pp.296-299.
- https://www.archdaily.com
- https://www.dehleader.ir/

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.61186/serd.12.46.85]